



خشم و شهوت
حکایت از مثنوی مولوی
دکتر بصیر کامجو

داستان خشم و شهوت

پادشاهی ، به دیدار یکی از عارفان بزرگ رفت و به او گفت : " ای شیخ ! از من چیزی بخواه تا من آن را برای تو فراهم کنم !"

شیخ عارف ، روبه او کرد و گفت : " تو خجالت نمی کشی ... این حرف را به من می زنی ؟ ! ای پادشاه باید خیلی بیشتر از این ها ، در حرف زدن با من حواست را جمع کنی !"

شاه گفت : " متوجه نشدم ! چرا ؟ "

شیخ گفت : " برای آنکه من ، دوبنده و خدمتکار دارم که تونوکر آن دو غلام هستی ! آن دو در برابر من حقیر و نا چیز هستند ؛ اما بر تو فرمانروا هستند !"

من دو بنده دارم و ایشان ، فقیر و آن دو بر تو ، حاکمان اند و امیر پادشاه با تعجب پرسید : " چه می گویی ؟! ... کدام بندگان ! ... این برای من نهایت ذلت و پستی است ! ... زود باش برایم توضیح بده !"

مرد عارف ، سرش را زیر انداخت و پس از دمی ، سرش را بلند کرد و گفت :

" ای پادشاه ! دو بنده من یکی خشم دیگری شهوت است ! من این دو را در برابر خود به زانو در آورده ام و بر آن ها فرمان می رانم ؛ حال آنکه تو در برابر آن ها خم شده ای و آنان بر تو فرمان می رانند !"

شاه تا این سخنان را شنید ، سرش را بر زیر افکند ، برخاست و از نزد شیخ بیرون رفت .

انتباه از داستان :

در این داستان تلاش بر این است که دو مقوله ، خشم ، و شهوت را در زندگی انسانها به بررسی بگیریم .

خشم : یک حالت روانی ، طبیعی و بخشی از واکنش مغز انسان در برابر عوامل ویژه تألم و درد است که در پهنه تهیج ورنجیدگی در کردار ، رفتار و نیت دردمند متجلی می گردد . برخی اوقات خشم یک عکس العمل متقابل در برابر عوامل وارده می باشد .

اما خشم در این داستان نزد ، عارف عواقب ناگوار ناشی از خشم یک پادشاه است که در بسا اوقات واکنش و تصمیم گیری شاه بر بنیاد خشم ، قهر و غضب ، سبب ساز نابودی جان و مال ده ها انسان یک جامعه می گردد. این جا هدف از انتخاب واژه خشم از جانب شیخ در حقیقت برملا ساختن ، نبود سلوک مهر و دوستی ، همزیستی و همگرایی در کردار شاهان در گُل می باشد.

شهوت : تمایل ، رغبت ، جنبش نفس در خواست لذت و یا آنچه را هوس و خواهشش را دارد. شهوت در بسا مواقع ارضای نفس اماره است . مراد از نفس اماره اعمال رفتار و کرداری که تمیز و تشخیص عقل انسان در آن دخالت نداشته باشد.

بدین اساس زندگی پادشاه بگونه ای است که محدودیت های معمول اجتماعی برای ابراز خشم و شهوت نزد وی وجود ندارد. او از آزادی بی قید برخوردار است و در اجرای هر عمل خود مختار .

بناً تذکر و تفهیم عقل پذیر شیخ در مورد موجودیت خشم و شهوت در وجود شاه ، در حقیقت تادیب و تنبیه او برای رهایی از فروماندگی نفس در زندان کیف قدرت است. او راه بیرون رفت از این درماندگی شاه را تزکیه نفس و انسانی شدن رفتار و کردار وی و زورمندان تلقی می کند .